



«دلالت التزامی غیر بّین»؛ ظرفیتی ژرف برای تفسیر زیست محیطی قرآن

استاد درس خارج فقه محیط زیست با تأکید بر اینکه «دلالت التزامی غیر بّین» یکی از ژرف‌ترین دروازه‌های ورود به معنا در قرآن است، گفت: از این ظرفیت می‌توان در تفسیر زیست محیطی قرآن استفاده کرد.

ایکنا: استاد درس خارج فقه محیط زیست با تأکید بر اینکه «دلالت التزامی غیر بّین» یکی از ژرف‌ترین دروازه‌های ورود به معنا در قرآن است، گفت: از این ظرفیت می‌توان در تفسیر زیست محیطی قرآن استفاده کرد.

«دلالت التزامی غیر بّین» دروازه ورود به معانی محیط زیستی قرآنیّه گزاریش ایکنا، اهمیت محیط زیست و حفاظت از آن خوشبختانه اکنون در میان نسل جوان کشورمان بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است؛ اما متأسفانه عموم مردم تصور می‌کنند این مباحث وارداتی و برخاسته از تفکرات اندیشمندان غربی است و اسلام در این زمینه آیه، حدیث، دستور یا روایتی بیان نکرده است؛ نگاهی که باید به کمک متخصصان حوزه محیط زیست در اسلام تصحیح شود.

شاید بیشترین آگاهی عموم مردم در خصوص توصیه‌های اسلام در مورد محیط زیست توصیه به درختکاری باشد؛ این درحالی است که نه تنها در آیات متعدد قرآن کریم در زمینه محیط زیست و اهمیت حفاظت از آن سخن گفته شده بلکه با رشد علم و افزایش آگاهی در خصوص اکوسیستم جهان، توان و ظرفیت تفسیر آیات قرآن بر مبنای نگاه محیط زیستی نیز افزایش یافته و درهای جدیدی روبه سوی تفسیر علمی مبتنی بر محیط زیست قرآن باز شده است.

آیت الله احمد مبلّغی، استاد درس خارج فقه محیط زیست با استفاده از همین ظرفیت برای اولین بار با مبنا قرار دادن اصل «دلالت التزامی غیر بّین» دریچه‌ای نو به تفسیر محیط زیستی آیات قرآن باز کرده و ضمن ارائه ضوابط استفاده از این اصل در تفسیر آیات، آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (آیه ۴۱ سوره روم) را به عنوان نمونه بر مبنای اصل «دلالت التزامی غیر بّین» تفسیر کرده است.

در ادامه یادداشت آیت الله مبلّغی در خصوص «امکان سنجی بهره‌گیری از دلالت التزامی غیر بین در قرآن» که در اختیار خبرگزاری ایکنا قرار گرفته است را با هم می‌خوانیم.

«دلالت التزامی غیر بّین»، یکی از ژرف‌ترین و در عین حال مهجورترین دروازه‌های ورود به معنا در قرآن است. ظرفیتی است پرقوت و کم به کار گرفته شده؛ زیرا در سایه وضوح دلالت‌های مطابقی و تضمینی و تا حدودی دلالت التزامی بین، این ساخت پیچیده و تأملی، کمتر مجال ظهور یافته است. آنچه گهگاه در آثار تفسیری و اصولی دیده می‌شود، بیشتر ناظر به دلالت التزامی بین است؛ دلالتی که لازمه اش آشکار و بی‌نیاز از کاوش است؛ هرچند که یک نوع آن نیازمند تأمل است.

اما دلالت التزامی غیر بّین، که به لایه‌های ناپیدای معنا، به بطن‌های استنتاجی آیه، و به مناسبات وحی با طبیعت، انسان و تاریخ در عمق دلالت بازمی‌گردد، هنوز در ساخت اجتهاد تفسیری و به طریق اولی اجتهاد فقهی، جایگاه بایسته خود را نیافته است.

بدین سان، این نوع دلالت، پلی است میان متن و دانش، میان لفظ و لوازم نهفته آن، و میان بیان وحی و نظام خلقت؛ پلی که اگر به درستی پیموده شود، می‌تواند چشم اندازهای تازه‌ای از نظام معنایی و حکمی قرآن را در حوزه‌هایی بگشاید که خود قرآن درباره آنها سخن گفته، اما فهم ما از آن هنوز در سطح لفظ متوقف مانده است.

آنچه در این نوشتار می‌آید، تبیین مفهوم دلالت التزامی غیر بّین و توضیح ظرفیت‌های آن در تفسیر زیست محیطی قرآن است؛ همچنین، راه کارهای بهره‌گیری روشمند از این دلالت در فهم نظام معنایی و حکمی آیات مربوط به محیط زیست بیان می‌شود؛ تا شاید گامی باشد در جهت احیای بخشی از ظرفیت‌های مغفول این دلالت قرآنی. کشف نظام معنایی قرآن با «دلالت التزامی غیر بّین»

آیا می‌توان از «دلالت التزامی غیر بّین» بهره‌جست تا نظام معنایی و تشریعی زیست محیطی قرآن را کشف و عرضه کرد؟

این نوشته در پی آن است که پاسخ این پرسش را به شیوه‌ای منضبط و موزون بررسی کند؛ شیوه‌ای که در آن سخن از قواعد علم، استدلال منطقی و آزمون قرآنی کنار هم قرار گیرد.

تعریف «دلالت التزامی غیر بّین»

دلالت التزامی، نوعی از دلالت است که مدلول ثانوی از راه لازمه عقلی یا عرفی برای دالّ نخست فهمیده می شود، نه از راه تضمّن لفظی و نه از راه مطابقت لفظی. اما «غیربیین» بودن آن، نشان از آن دارد که این لازمه برای فهم عامّه آشکار نیست؛ نیازمند تأمل، استدلال و ضمیمه معرفتی است. به بیان فشرده: «مقصود آیه کامل است؛ آنچه می طلبد، نه تکمیل آیه، که تکمیل فهم ماست».

طبیعتاً دلالت التزامی غیربیین در مقابل دلالت التزامی بین است که خود به دو دسته به معنای اخص و به معنای اعم تقسیم می شود که به بحث از آن نمی پردازیم. اهمیت به کارگیری این دلالت

این دلالت، ابزاری اجتهادی است برای کشف معانی پنهان و مطابق سازی آنها با مسائل نوپدید. در مواجهه با چالش های معاصر، از جمله مسائل زیست محیطی، حوزه اجتهاد و نیز تفسیر راهی جز توجه به این ظرفیت دلالتی ندارد؛ مشروط بر آنکه ضوابط علمی و روش شناختی رعایت شود. مکانیسم بهره گیری

الف. شناسایی داده: داده علمی باید قابل اتکا و نسبتاً مقطوع النظر باشد؛ نه هر نظریه تجربی ناپایدار مقطعی. «داده»، همکار عقل مفسّر است، نه جانشین نصّ. آیه کامل است؛ آنچه ناقص است فهم ماست، و فهم ما را داده معتبر تقویت می کند.

ب. احراز وحدت موضوعی: میان داده و مفاد آیه باید وحدت موضوعی احراز شود؛ هر پیوندی پذیرفتنی نیست. ورود داده نامربوط به متن قرآنی همچون گذاشتن جسمی بی جان (همچون سنگ) در کنار ساخت زنده (همچون انسان) است؛ بی ثمر و گمراه کننده.

ج. تصور «فرضی معقول» برای ارتباط محتوایی آیه و داده: مفسّر باید فرضیه هایی بسازد و آزمون کند: آیا هم نشینی مفاد آیه و آن داده می تواند به نتیجه استلزامی (مثلاً حرمت یا وجوب رفتاری خاص) بینجامد؟ این مرحله چندسطحی است: اول تناسب سنجی موضوع و محمول آیه؛ سپس سنجش ظرفیت جمله اخباری برای حمل دلالت حکمی در پرتو آن تناسب. این کار، کار مقایسه معقول است، نه تحمیل ابتکاری.

د. حوزه اثبات: ورود به متن نصّ و سیاق؛ باید دید آیا سیاق آیه، ساختار ترکیبی و گزینش واژگان، همسویی مفروض را می پذیرد یا نه؟ وقتی سیاق و ساختار متن این پیوند را تأیید کند، می توان گفت رابطه دلالتی، واجد استحقاق تفسیری شده است؛ هرچند قطع یقینی کامل در بسیاری از موارد، ممکن نیست، اما اطمینان علمی کفایت می کند تا دلالت التزامی فعال شود. تطبیق مراحل یاد شده بر آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»

اقدام اول شناسایی داده علمی: دانش امروز نشان می دهد نظام های طبیعی دارای پیچیدگی، پیوستگی و حساسیت متقابل اند؛ اختلال در یک رکن می تواند به اختلال سامانه وار بینجامد. چنین بینشی از منظر زیست محیطی، داده ای معتبر است برای مواجهه با مفهوم «فساد» در سطح کلان.

اقدام دوم احراز وحدت موضوعی: آیه «فساد در برّ و بحر» را موضوع جمله می گیرد؛ با علم جدید، این «برّ و بحر» به نوعی معادل تمام زیست بوم ها است. ترجمه این وحدت موضوعی آن است که «فساد» به معنی اختلال سامانه ای است؛ بنابراین وحدت موضوعی برقرار می شود. به ویژه آنکه قرآن واژه فساد را برای آسمان و زمین به کار گرفته است که معنای اختلال در میان نظم هماهنگ بین آنهاست.

اقدام سوم تصور «فرضی معقول» نسبت به ارتباط محتوایی: وقتی «ظهور فساد» را با مصادیق شناخته شده تخریب خاک، آلودگی آب، و فروپاشی تالاب ها کنار هم نهیم، می توان فرض کرد که این هم نشینی مفهومی به دلالت حکمی، مثلاً حرمت عمل تخریب، می انجامد. این انتقال معنا از وصف وقوع یعنی جمله اخباری به حکم به حرمت تخریب یعنی جمله انشایی، که همان تحقق دلالت التزامی غیربیین است، می انجامد.

ضمناً آنچه که در اصول گفته شده که دلالت جمله اخباری بر انشایی از استحکام بیشتری برخوردار دارد جمله مضارع است، و اینجا فعل (ظهر)، ماضی است.

اقدام چهارم تلاش اثباتی و قرائن سیاقی: نخست، جفت آمدن «البرّ» و «البحر» دالّ بر فراگیری مقصود است و حدّ زیست

انسانی را در خشکی و دریا یک جا مخاطب قرار می دهد. دوم، فعل «ظَهَرَ» نشان از نمودِ آثار و علایم دارد و نه صرفِ وقوع پنهان؛ فسادِ زیست محیطی چون ساختاری است، ناگزیر نمایان می شود.

البته ما پیش تر نیز از همجواری بیابان و دریا، و از واژه ی «ظَهَرَ»، برای ترسیم ارتباطی معقول و محتوایی بهره گرفته بودیم؛ اما در این موضع، اتکای ما بر این دو قرینه در کنار دیگر نشانه ها نه برای تصویرسازی نخستین، بلکه برای تأیید و تثبیتِ آن فرض معقولِ پیش نهاده است.

نکته بنیادین آن است که نباید میانِ این مرحله، که غایتِ آن اثبات و استدلال بر پایه قرائن سیاقی است، با مرحله ی پیشین، که جنبه ای ثبوتی و مفهومی دارد و در پی گردآوریِ قرائن نیست، خلط کرد؛ هرچند میانِ آن دو، در سطح معنا و مسیر تحلیل، پیوندی برقرار است.

سوم، ارجاع «یما کَسَبَتْ أیدی التَّاس» نشان از مسئولیتِ جمعی دارد؛ موضوع، عملِ جمعی «ناس» است، نه رفتارِ انفرادیِ معین. بر این اساس قابلیتِ نص قرآنی برای برخورداری از دلالت التزامی ارتقا پیدا می کند.

چهارم، مفرد «الفساد» دلالت بر وحدتِ اختلال دارد؛ گویایِ یگپارچگی بحران است. این قرائن در سیاقِ آیه تماسک ایجاد می کنند و از اتحادِ مفهومی پشتیبانی می کنند.

نکته نحوی ای که باید رعایت شود این است که همانطور که گفتیم آیه جمله ای اخباری با فعل ماضی دارد (ظَهَرَ)، در نتیجه از راه تبدیل نحوی جمله اخباری به انشائی نمی توان الزام تشریعی را اثبات کرد؛ زیرا مضارع نیست؛ لکن از رهگذر دلالتِ التزامی غیربیین، وقتی تناسبِ موضوع و حکم و قرائن سیاقی فراهم آید، وصف بر حکمی شرعی دلالت می کند و این حکم، حرمت ایجاد اختلال در نظم اکولوژیک طبیعت است. انتهای پیام